

زرتشت و تأثیر وی در تحولات تمدن غرب و عرفان تشیع

دکتر بهرام طوسی

بشر موجودی متجاوز و زورگو است، به همین جهت همه پیامبران و متفکران جهان برای اصلاح وی نهایت تلاش را کرده‌اند؛ در آن میان، دین مبین اسلام بر مساوات و تأمین عدالت، تأکید فراوان کرده و تمام جوانب آن را گوشزد نموده است. زرتشت پیامبر، ارائه‌کننده اولین دین توحیدی، افکار بلند محبت و انسانیت و توحید و یگانگی را برای اولین بار در جهان ندا داد؛ به طوری که تأثیرات عمیقی در تکامل تمدن یونان و رم قدیم و در افکار و رفتار والای ایرانی و اثرات ریشه‌ای در عرفان جهان و عرفان اسلامی به جای گذاشت. با بررسی حقایق تاریخی مربوط می‌توان به ارتباط‌های ادیان و مذاهب پی برده و پاسخ مناسبی به متعصبانی چون نخست وزیر ایتالیا و اریانا فالانچی‌ها داد.

زرتشت و تأثیر افکار او در جهان

انسان از قدیم‌ترین ایام به عنوان موجودی خودخواه و فرصت‌طلب و زورگو شناخته شده. تاریخ کشورهای جهان پر از جنگ و خونریزی و تجاوزهای شرم‌آور است. در طول تاریخ، پیامبران، عالمان، متفکران، فلاسفه، انبیا، عارفان و سایر

بزرگان برای نجات بشر راه‌های زیادی را ارائه داده و برای خیر و برکت بشریت و برای نابودی ظلم و ستم و جنگ و خونریزی تلاش کرده‌اند. اکثر آنان راه از میان بردن اختلافات را در این دانسته‌اند که بشر قبول کند که همه از هر نژاد و هر رنگ و هر قوم با هم یکسان هستند.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ﴾^۱ «ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و به شعبه‌ها و قبیله‌ها تقسیم کردیم تا بشناسید یکدیگر را به درستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما است».

خداوند برای هیچ بشری هیچ گونه امتیازی از نظر رنگ پوست، نژاد، قبیله، قومیت، مال و توانگری و حتی دین و مذهب و مسلک قائل نشده است مگر در تقوا و میزان راستی و درست‌کاری. این از عظمت‌های دین مبین اسلام است که حتی برای خود و برای مسلمانان امتیاز جداگانه قائل نشده است هر کس با تقواتر باشد نزد خداوند عزیزتر است. حتی شرط مسلمان و متقی بودن را قبول و احترام به سایر ادیان گذشته قرار داده است^۲ و امتیاز افراد را در میزان رحم و مروت و انصاف و عشق و انسانیت آن‌ها دانسته است. به عقیده مسلمانان و اهل عرفان دین مبین اسلام ضمن قبول همه ادیان، مکمل آن‌ها نیز هست جالب این‌جا است که بدانیم برای اولین بار زرتشت بود که توحید و یگانگی بشریت را در جهان اعلام کرد.

ظهور زرتشت در آذربایجان غربی ایران و به روایتی نیز در حوالی بلخ و خوارزم بوده است و در مورد سال ظهور وی شرق‌شناسان اروپایی از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از

۱. حجرات / ۱۳.

۲. بقره / ۴.

زرتشت و تأثیری در تحولات تمدن غرب و عرفان تشیع / ۲۰۹

میلاد اشاره کرده‌اند ولی آشتیانی به ۳۵۰۰ قبل از میلاد اشاره کرده است.^۱ در حالی که همایون فرخ آن را تا ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌داند.

زرتشت پیامبر در سرتاسر گاتاها روی سخنش مردم است و همه پیروان راستی و پیروان دروغ و همه مردم جهان را مورد خطاب قرار می‌دهد. عظمت زرتشت در همین امر است.^۲

آشتیانی می‌نویسد:

«نه سخن از آریاها است و نه اشاره به ایرانیان. هیچ گروه و قوم خاصی دارای امتیاز نیست. پیام زرتشت عام است و اهورا مزدا نیز خدای همهٔ عالمیان می‌باشد (جالب این‌جا است که برای قوم ویشتاسپه (قوم و قبیلهٔ خود زرتشت) نیز برتری قائل نشده و حتی بدان اشاره هم نکرده است».^۳

توضیح این‌که تا زمان زرتشت دین، جنبهٔ قومی و طایفه‌ای و ناحیه‌ای داشت و «پلی تثیسم» یا پرستش خدایان متعدد و ارباب انواع در سرتاسر دنیا رایج بود و هر قبیله و قوم و گروه برای خود خدا، بت، یا اصنامی خاص داشتند و آن‌ها را می‌پرستیدند. هر گروه و قومی برای خود خدایی و رسوم دینی خاصی قائل بودند ولی زرتشت برای اولین بار از یک خدای خالق عالم، «اهورامزدا»^۴ یعنی «مهین دادار

۱. جلال‌الدین آشتیانی، زرتشت، مزدیسنا و حکومت، صص ۵۰-۸۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۲۳.

۴. اهوره از اسره گرفته شده که در ادبیات قدیم و دیک نیز یک نام مطلق روحانی بوده نه موجودی جسمانی به معنای جان و هستی بخش، مزدا نیز از دو کلمهٔ مز به معنای بزرگ که در فارسی مس و مه شده است، و دابه معنای دانش بخشیدن و آفریدن تشکیل شده است.

هستی بخش» یا «هستی بخش و دانای بزرگ» سخن گفته است.^۱ زرتشت همه مردم دنیا را یکی می‌دید.

در فصل پنجم کتاب دین بشر، تحت عنوان پیامبر که به زرتشت اختصاص دارد، شاعر حکیم بلند پایه هند «تاگور» می‌نویسد:

«با ظهور آن (دین زرتشتی)، دین از مرحله افسانه و جادو بیرون

شده و به مرحله روحانیت و اخلاق معنوی در آمد».^۲

در هات ۳۲/۲ چنین آمده است:

«کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و بازوان خویش با بدکاران پیکار کند و نقشه آنان را عقیم سازد و یا آنان را به راه راست رهبری نماید، به درستی چنین شخصی درخواست پروردگار را انجام داده و به خداوند جان و خرد عشق می‌ورزد».

مهرداد بهار می‌نویسد:

«بر اساس دین زرتشتی هر مزد یا اهورا مزدا نشانه نور و پاکی و روشنایی و خوبی است و اهریمن نشانه تاریکی، تبهکاری و پتیارگی و یک نبرد دائمی میان این دو جریان دارد و وظیفه همه مردم و انسان‌ها است که اهورا مزدا را یاری کنند تا بدی از دنیا رخت ببرند و نیکی پیروز شود».^۳

زرتشت در آغاز گاتاها توضیح می‌دهد که فقط در سایه اعمالی که متکی به راستی است می‌توان خدا را خشنود ساخت. اندیشه نیک و خرد پاک بهترین وسیله برای

۱. جلال الدین آشتیانی، زرتشت، مزدیسنا و حکومت، ص ۱۲۳.

۲. شفق رضا زاده، زرتشت از نظر تاگور، ص ۳۳.

۳. پژوهشی در اساطیر ایران، صص ۸-۱.

زرتشت و تأثیر وی در تحولات تمدن غرب و عرفان تشیع / ۲۱۱

نزدیک شدن به خدا است. تنها در پرتوی راستی است که مردم می‌توانند به سعادت دست یافته و پاداش دنیوی و اخروی یابند. او در اولین قدم با صراحت تمام رشوه و فدیة و هدیه (قربانی) و شعائر و تشریفات و نماز به خاطر نیاز را که وسایل خشنودی خدایان جامعه بود، طرد می‌نماید.

در هات ۳۳/۱۰ چنین آمده:

«همۀ خوبی‌های زندگی زرتشت، آن‌چه به راستی بوده و آن‌چه که هست و آن‌چه خواهد بود. ای مزدا، از مهر خودت به ما بخش و به یاری منش پاک و نیروی معنوی و راستی بیفزای و خوش‌بختی را برای تن».

به طور کلی حرف زرتشت یک چیز است که می‌گوید. راه در دنیا فقط یکی است و آن راستی است، دیگران همه بیراهه‌اند.

و این درست، حرف قرآن کریم است که مرتب بر «اهدنا الصراط المستقیم» دارد. زرتشت، خوبی و سعادت بشر را در راستی و درستی دانسته و در واقع سابقه و اساس عرفان و عشق و مهر و محبت را در تعلیمات سائوئی، بودا، کنفوسیون و زرتشت باید جست‌وجو کرد. که انسانیت و عاطفه و راستی از انسان به انسان فراتر برده و به همۀ موجودات سرایت می‌دهند؛ یعنی به هر چیزی که «او» خلق کرده است: «این آب‌ها و زمین‌ها و گیاه‌ها را می‌ستاییم. این مکان‌ها و روستاها و چراگاه‌ها و سرزمین‌ها و آبشخورها را می‌ستاییم و دارنده این سرزمین‌ها را می‌ستاییم، آن اهورامزدارا».^۱

به دریا بنگریم دریا ته وینم به صحرا بنگرم صحرا ته وینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت زیبا ته وینم^۱
و فی کل شیء له آیه تَدُلُّ عَلٰی اَنَّهُ وَاحِدٌ

ناچار باید قبول کنیم که رگه‌هایی از افکار بلند زرتشتی در وحدت وجود ابن عربی نیز به چشم می‌خورد. آلبرت آوی در تاریخ مختصر فلسفه اروپا می‌نویسد: «زرتشت یا زرتشترا در فضای اندیشه و تفکر قدرتی عظیم نشان داد که تأثیر ژرفی در آیندگان کرد. عمدتاً وی در همه جریانات عالم که یک پیکار دائمی میان نیک و بد، راستی و کژی مشاهده می‌کرد. عبریان مفهوم شیطان را به عنوان دشمن بزرگ یَهُوَه، از همین جریان گسترش دادند و پس از آن مفهوم شیطان مسیحی نیز از مذهب یهود برآمد. علاقه‌مندی زرتشت در وقف خود به راستی و نفرت از دروغ و نادرستی یکسره به دانش و فلسفه یونانی انجامید».^۲

دکتر فرهنگ مهر می‌نویسد:

«دانشمندان نامدار یونان با دین و فلسفه زرتشت آشنا بوده‌اند و درباره آن سخن گفته‌اند. قدیم‌ترین سند موجود در حاشیه کتاب الکیتیادس (Alcibiades) افلاطون است که برگردان آن به فارسی چنین است: و گفته شده که زرتشت در حدود شش هزار سال پیش از افلاطون می‌زیسته است... زرتشت دانش جهانی خود را از روان نیکویی، یعنی از بینش والا آموخت...».^۳

در همان صفحه از کتاب می‌خوانیم:

۱. بابا طاهر عریان همدانی، دیوان اشعار.

۲. تاریخ مختصر فلسفه در اروپا، ص ۱۱.

۳. دیدی نواز دینی کهن، ص ۱۱۶.

زرتشت و تأثیر وی در تحولات تمدن غرب و عرفان تشیع / ۲۱۳

و از شاگردان پرودیکوس همسفر سقراط یاد شده است که آن‌ها نسخه‌ای از آموزش‌های زرتشت را در دسترس داشته‌اند».^۱

بودایی یکی از سرچشمه‌های الهام تصوف ایران شده است.^۲

بدین ترتیب ملاحظه می‌کنید که جایگاه افکار عالی انسانی و تمدن و درستی و راستی و فلسفه و منطق در ابتدا مشرق زمین بوده و از این جا به غرب راه یافته است. (گفتار آلبرت آوی دانشمند شرق شناس انگلیسی مبین این ادعا است). و در این میانه در ایجاد این تفکرات عالی زرتشت پیامبری که پدران ایرانیان من جمله فارسی‌ها و تاجیک‌ها پیروان راستین او بودند سهم بیش‌تری را دارا است.

امروز بعد از قرن‌ها جنگ و خونریزی و تجاوز و قدرت‌نمایی‌های بی‌شمار باید برای بشر ثابت شده باشد که از جنگ و اعمال زور کاری ساخته نیست و باید انسان راه گفت‌وگو و تبادل افکار و دست برداشتن از تعصب را در پیش بگیرد تا شاید روزی جهان روی صلح و آرامش را ببیند. وگرنه اگر بشر بخواهد به همین روال، زورگویی و خودخواهی تعصب پیش برود کاری از پیش نخواهد برد مگر کندن گور خود!

تاریخ همه کشورها پر است از جنگ و نبردهای خانمان برانداز و کارهایی که انسان خود از بازگویی آن‌ها شرم دارد و این کار هنوز هم متأسفانه ادامه دارد ولی باید عاقبت روزی برسد که آدم به واقع آدم شود و ذره‌ای رحم و انصاف پیدا کند و در حالی که به معتقدات خود پای‌بند است به دیگران نیز حق بدهد و لااقل مختصری برایشان و برای عقاید و افکارشان احترام قائل شود، آن‌گاه است که می‌توان امیدوار بود که خورشید خوشبختی بر عالم پر آشوب ما نور افکنده است.

۱. دیدی نواز دینی کهن، صص ۱۱۶، ۱۱۷.

۲. سعید نفیسی، سرچشمه تصوف در ایران، ص ۲۰.

دین یهود و همچنین مسیحیت مردم را به درستی و درست‌کاری دعوت می‌کنند. از حضرت عیسی نقل است که عشق و محبت به دیگران را به نهایت رسانده بود و از جنگ و خونریزی و خشونت، حتی با کسانی که وی را آزار می‌دادند، بی‌زاری می‌جست تا بدان پایه که می‌فرمود اگر کسی سیلی به گونه‌ات نواخت، طرف دیگر صورتت را پیش بیاور.

این همه، با بزرگی روح قربت و نزدیکی دارد. یا فلسفه مقاومت منفی که به رهبری «مهاثما گاندی» بزرگ استقلال کشور پهناور هندوستان را توسط مردمی با دست خالی در برابر امپراتوری سر تا پا مسلح وقت تضمین کرد و اساس همان تفکر عمیق مقاومت توأم با مدارا است که از تراوشات ذهن پر بار «تاگور» بود.

در دین اسلام و قرآن کریم همه جا به گذشت و ایثار و فداکاری و عشق و محبت اشاره شده است. اسلام همهٔ ادیان را به وحدت دعوت می‌کند و لازم است به این جنبهٔ مهم دین بیش‌تر از سایر جنبه‌های آن اهمیت داد.

در عرفان نیز که با نگاهی ژرف به عمق دستورهای الهی و اهداف عالی دین می‌نگرد، همه جا سخن از دوستی و مودت و ایثار برای دیگران و عشق به همهٔ عالم و موجودات عالم است. یک عارف همهٔ انسان‌ها را یکسان می‌نگرد؛ چه افراد هم‌مسلك خود را و چه اهل سایر ادیان و فرقه‌ها را.

بر سر در خانقاه ابوالحسن خرفاتی نوشته شده بود: هر کس درین سرای آید نانش دهید و از ایمانش پرسید. چه آن که در محضر خداوند به جان ارزد بر سفرهٔ ابوالحسن به نان ارزد.

این است نهایت راهی که زرتشت، فلاسفه، متفکران و پیامبران الهی ارائه داده‌اند. جنگ و نفرت برای چه؟ آیا بهتر نیست بشر در یک محیط دوستانه و برادروار در امنیت و صفا زندگی کند تا در جنگ و ناامنی؟

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از او است
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از او است
و نیز سوخته دل دیگری فرموده است:
پیش ما سوختگان کعبه و بتخانه یکی است
حرم و دیر، یکی مسجد و میخانه یکی است
پیر پیمانه کشان گفت که در مذهب عشق
مست و هشیار یکی عاقل و دیوانه یکی است
و در مخزن الأسرار نظامی گنجوی می‌خوانیم:

عمر به خشنودی دل‌ها گذار	تاز تو خشنود شود کردگار
سایه خورشید سواران طلب	رنج خود و راحت یاران طلب
در دستانی کن و درمان دهی	تات رسانند به فرماندهی
گرم شواز مهر و زکین سرد باش	چون مه و خورشید جوانمرد باش
هر که به نیکی عمل آغاز کرد	نیکی وی روی بدو باز کرد
گنبد گردنده از روی قیاس	هست به نیکی و بدی حق شناس

این‌گونه اشعار انسانی و این طرز تفکر لطیف ایرانی - اسلامی، در سایه عرفان و درک ماهیت دین به وجود آمده است.

عرفان که خود طرز نگرش و توجه به عمق دین و اهداف انبیا است، عبارت است از: تمرکز بر جنبه‌های سبحانی دین اسلام یعنی لطافت، ظرافت، مهر و محبت و عشق؛ عشق واقعی، عشق به پروردگار و عشق به همه موجودات. تکوین و تکامل عرفان اسلامی و حتی عرفان سایر ادیان مستقیماً تحت تأثیر طرز تفکر ایرانی بوده است. این افکار مقدمات نهضت شعوبی و عشق به خاندان علی - علیه السلام - و تشیع را پایه‌ریزی کرد، که این خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

بنابراین، دین توحیدی ایرانی و افکار ایرانی هم در ایجاد تمدن یونان و رم تأثیر مستقیم داشته و هم در ایجاد و شکوفایی تمدن بزرگ و بی نظیر اسلامی، و به طور غیرمستقیم، از طریق تمدن اسلامی در ایجاد رنسانس یا تجدید حیات کلاسیک اروپا.

اگر امروز افرادی مانند نخست وزیر ایتالیا از روی تعصب و سیاست و امثال اریانافالانچی، روزنامه نگار بازنشسته، از روی جهت گیری های حساب شده یا اشاره به بعضی کارهای سیاسی روز و کارهای به حساب خودشان تروریستی و یا با اشاره به بعضی عواملی که در اثر سیاست های امپریالیستی و استعماری باعث عقب ماندگی چند صد سال اخیر جوامع مسلمان شده، اسلام و مسلمان را عقب مانده معرفی می کنند باید به این حقایق و واقعیت های موجود تاریخی توجه کرده و از گفتار خود اظهار شرمندگی و استغفار بنمایند.

منابع

۱. آشتیانی، مهندس جلال الدین، زرتشت، مزدیسنا و حکومت، تهران، ۱۳۷۶.
۲. آوی، آلبرت، تاریخ مختصر فلسفه در اروپا، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران، زوار [بی تا].
۳. اقبال لاهوری، محمد، کلیات، انتشارات اقبال (آکادمی پاکستان)، ۱۹۹۰ م.
۴. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲.
۵. پورداود، ابراهیم، «را بیند رانات تاگور»، مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۳۴۰.
- تدین عطاء الله، جلوه های تصوف و عرفان در ایران و جهان، تهران، انتشارات تهران [بی تا].
۶. دوستخواه، جلیل، اوستا نامه مینوی آیین زرتشت، تهران، مروارید، ۱۳۴۳.
۷. شفق رضا زاده، «زرتشت از نظر تاگور»، مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۳۴۰.
۸. طوسی، بهرام، «هفت جام فضولی در وادی شریعت»، تهران، ایران شناخت، ش ۹.
۹. طوسی، بهرام «عراقی و تصوف و عرفان» مجموعه مقالات بزرگداشت فخرالدین عراقی، اراک.
۱۰. طوسی، بهرام، «دوره سامانیان و گسترش عرفان» مجله ایران شناخت، ش ۱۴، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. طوسی، بهرام، «نیاز دنیای پر آشوب امروز به باز شناخت اندیشه های والای تاگور» مقاله ارائه شده در بیستمین کنفرانس اساتید فارسی سراسر هند، شانته نیکاتان، ایالت بنگال هندوستان (اول تا سوم نوامبر ۱۹۹۸).
۱۲. مهر، دکتر فرهنگ، «دیدنی نو از دینی کهن (فلسفه زرتشت)»، تهران، دیبا، نظامی گنجوی، دیوان، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۷۱.

۲۱۸ / مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران

۱۴. نیکلسون، رینولد آلن، *تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا*، ترجمه دکتر شفیع کدکنی، تهران، توس، ۱۳۵۸ ش.

۱۵. وحید الاولیاء، *اوصاف المقربین*، شیراز، خانقاه احمدی [بی تا].

۱۶. همایون فرخ، دکتر رکن الدین، *تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی*، ج ۳، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۰ ش.